

The Position of Arab Iraq in the Safavid and Ottoman Conflicts (During the Years 914-952 AH)

Siavash Yadollahi¹

In the first half of the tenth century AH/sixteenth century AD, Arab Iraq became the main arena of competition between the two powerful governments of Safavid (907-1135 AH/ 1501-1722 AD) and Ottoman (698-1340 AH/ 1299-1922 AD). The main issue of this research is to examine the importance of the domination of each of these two governments over Arab Iraq and to analyze the factors affecting this competition with a descriptive-analytical approach based on library resources. It seeks to answer the question of why Arab Iraq became such a field for Safavid and Ottoman conflicts. The research findings indicate that the strategic location of Arab Iraq as a bridge between continents, rich agricultural resources, and the presence of important religious centers were among the main reasons for the importance of this region for both empires. The Ottoman victory in the Battle of Chaldiran and the conquest of Mosul was a prominent step towards consolidating their influence in northern Arab Iraq. Furthermore, control over the key cities of Baghdad and Basra not only brought political and religious superiority to the Ottomans, but also control over important trade routes and access to huge economic revenues. The main goal of this study is to analyze factors such as the political, religious, economic, and geographical aspects of Arab Iraq, which constitute the main motivations for the conflict between the Safavids and Ottomans. By examining these factors, a deeper understanding of the reasons for the intense competition between these two governments over the domination of Arab Iraq can be achieved.

▪ **Keywords:**

Iran, Safavid, Ottoman, Arab Iraq, Confrontation, Years 914-952 AH.

¹. PhD student in Islamic History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran. history1371@gmail.com



جایگاه عراق عرب در منازعات صفوی و عثمانی

(طی سال‌های ۹۵۲-۹۱۴ق.)

سیاوش یادللهی^۱

چکیده

در نیمه نخست سده دهم هجری قمری/شانزدهم میلادی، عراق عرب به کانون اصلی رقابت میان دو حکومت قدرتمند صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷ق./۱۷۲۲-۱۵۰۱م.) و عثمانی (۱۳۴۰-۹۸ق.) تبدیل شد. مسئله اصلی این پژوهش بررسی اهمیت تسلط هر یک از این دو حکومت بر عراق عرب و تحلیل عوامل مؤثر بر این رقابت با رویکردی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است و به دنبال پاسخ به این پرسش است که چرا عراق عرب به چنین میدانی برای منازعات صفوی و عثمانی تبدیل شد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت استراتژیک عراق عرب به‌عنوان پل ارتباطی میان قاره‌ها، منابع غنی کشاورزی و وجود مراکز مذهبی مهم، از جمله دلایل اصلی اهمیت این منطقه برای هر دو امپراتوری بوده‌اند. پیروزی عثمانیان در جنگ چالدران و تصرف موصل، گامی برجسته در جهت تثبیت نفوذ آنها در شمال عراق عرب به‌شمار میرفت. علاوه بر این، تسلط بر شهرهای کلیدی بغداد و بصره نه تنها برتری سیاسی و مذهبی، بلکه کنترل بر مسیرهای تجاری مهم و دستیابی به درآمدهای کلان اقتصادی را نیز برای عثمانیان به ارمغان آورد. هدف اصلی این مطالعه، تحلیل عواملی همچون جنبه‌های سیاسی، مذهبی، اقتصادی و موقعیت جغرافیایی عراق عرب است که انگیزه‌های اصلی منازعه میان صفویان و عثمانیان را تشکیل می‌دهند. با بررسی این عوامل، می‌توان به درک عمیق‌تری از دلایل رقابت‌های شدید میان این دو حکومت بر سر تسلط بر عراق عرب دست یافت.

واژگان کلیدی:

ایران، صفویه، عثمانی، عراق عرب، تقابل، سال‌های ۹۵۲-۹۱۴ق.

مقدمه

در اوایل سده دهم هجری قمری / شانزدهم میلادی، ظهور دو قدرت بزرگ، پادشاهی صفوی در ایران و امپراتوری عثمانی در آناتولی، معادلات سیاسی منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار داد. این دو امپراتوری با ایدئولوژی‌های مذهبی متفاوت (شیعه و سنی) و انگیزه‌های توسعه‌طلبانه، رقابتی طولانی و پرحادثه را آغاز کردند که یکی از مهم‌ترین عرصه‌های آن، عراق عرب بود.

منطقه‌ای که به نام عراق شناخته می‌شود، در گذشته بین‌النهرین نامیده می‌شد و نزد جغرافیدانان عرب به دو ناحیه علیا (جزیره) و سفلا (عراق عرب) تقسیم می‌گردید. موصل به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای جزیره و بغداد به عنوان مرکز عراق عرب، برای قرن‌ها از مراکز مهم سیاسی و فرهنگی جهان اسلام به‌شمار می‌رفتند. همچنین، شهرهای مذهبی شیعه نظیر نجف و کربلا و بندر مهم بصره در جنوب بر اهمیت این منطقه می‌افزودند. این موقعیت جغرافیایی و اهمیت مذهبی و اقتصادی، عراق عرب را به صحنه اصلی منازعات صفوی و عثمانی تبدیل کرد.

عراق عرب به واسطه موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود، نقشی حیاتی در ارتباطات و مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفاء می‌کرد و قرار گرفتن در مسیر راه‌های تجاری مهم، دسترسی به آب‌های خلیج فارس و وجود مراکز مذهبی شیعی، این منطقه را به کانون توجه هر دو حکومت تبدیل کرده بود. برای صفویان، تسلط بر عتبات عالیات و گسترش نفوذ مذهب تشیع در عراق عرب اهمیتی ویژه داشت. در مقابل، عثمانی‌ها نیز با انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی به دنبال تثبیت سلطه خود بر این منطقه و جلوگیری از توسعه نفوذ صفویان بودند.

دوره مورد بررسی در این پژوهش (۹۵۲-۹۱۴ ق. / ۱۵۴۶-۱۵۰۸ م.)، شاهد اوج‌گیری این رقابت‌ها بود. در نتیجه، با توجه به اهمیت توأمان عراق عرب برای هر دو حکومت صفوی و عثمانی، شروع جنگ و منازعات در این منطقه اجتناب‌ناپذیر بود. در سال ۹۱۴ ق. / ۱۵۰۸ م. شاه اسماعیل (حک ۹۳۰-۹۰۷ ق. / ۱۵۲۴-۱۵۰۱ م) بغداد را که برای قرن‌ها مرکز خلافت عباسی (۶۵۶-۱۳۲ ق. / ۱۲۵۸-۷۵۰ م.) و یکی از کانون‌های مهم برای اهل سنت بود، تصرف کرد. غلبه شاه اسماعیل بر بقایای حکومت آق‌قویونلو (۹۰۹-۷۸۰ ق. / ۱۵۰۳-۱۳۷۸ م.) در بغداد مصادف با حکومت بایزید دوم (حک ۹۱۸-۸۸۶ ق. / ۱۵۱۲-۱۴۸۱ م.) در امپراتوری عثمانی بود. در برابر سیاست‌های شاه اسماعیل، بایزید دوم سیاست صلح‌جویانه را در برابر حکومت صفوی دنبال می‌کرد. با این حال، با روی کار آمدن سلطان سلیم (حک ۹۲۳-۹۱۸ ق. / ۱۵۲۰-۱۵۱۲ م.) که خطر صفویان را برای امنیت حکومت عثمانی به خوبی درک کرده بود، رویکرد عثمانی تغییر کرد و در جنگ چالدران (۹۲۰ ق. / ۱۵۱۴ م.) شکست سختی بر حکومت صفوی

وارد شد و شمال عراق عرب به تصرف عثمانی درآمد. ادامه تصرف عراق عرب پس از مرگ سلطان سلیم در زمان جانشینش، سلطان سلیمان (حک ۹۷۴-۹۲۶ق. / ۱۵۶۶-۱۵۲۰م.) ادامه یافت. پس از مرگ شاه اسماعیل نیز پسر ده‌ساله‌اش طهماسب (حک ۹۸۴-۹۳۰ق. / ۱۵۷۶-۱۵۲۴م.) به حکومت رسید که دوره‌ای از اغتشاشات را در پی داشت. در این دوره منازعات دو حکومت بر سر عراق عرب ادامه یافت و به لشکرکشی سلطان سلیمان به عراق عرب و تصرف بغداد و بصره منتهی شد. بدین ترتیب از تصرف بغداد توسط شاه اسماعیل تا تثبیت نسبی نفوذ عثمانی‌ها در بصره، این دوره مملو از کشمکش‌ها، جنگ‌ها و تغییرات مرزی بود.

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چرا عراق عرب به چنین میدانی مهم برای منازعات و رقابت‌های شدید میان این دو حکومت تبدیل شد؟ اهمیت این پژوهش در تمرکز ویژه آن بر عراق عرب به‌عنوان کانون اصلی رقابت‌های صفوی و عثمانی است. این تمرکز، زاویه‌ای جدید در مطالعات مربوط به این دو حکومت ارائه می‌دهد. این پژوهش با بررسی ابعاد گوناگون رقابت در عراق عرب، از جمله ابعاد سیاسی، مذهبی، اقتصادی و استراتژیک، درک جامع‌تری از انگیزه‌ها و اهداف این منازعات فراهم می‌کند. اگر چه پژوهش‌های زیادی در خصوص روابط صفوی و عثمانی صورت گرفته، اما تمرکز این پژوهش‌ها بیشتر معطوف به مناطق قفقاز و آناتولی بوده و نقش تعیین‌کننده عراق عرب در این میان به‌عنوان یک متغیر مستقل و اثرگذار، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. جنبه نوآورانه پژوهش حاضر، تمرکز ویژه بر عراق عرب به‌عنوان کانون اصلی این رقابت‌ها و بررسی ابعاد مختلف آن است. رقابت بین صفویه و عثمانی، موضوعی است که در پژوهش‌های تاریخی از زاویه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعات پیشین با تمرکز بر مناطق مختلف و ابعاد گوناگون این رقابت تلاش کرده‌اند تا زوایای مختلف این منازعات را روشن سازند.

بخش قابل‌توجهی از پژوهش‌ها به بررسی رقابت صفوی و عثمانی در منطقه قفقاز اختصاص یافته است. برای نمونه، ثواقب و لعبت‌فرد (۱۳۹۶) در مقاله "واکاوی رویارویی‌های مذهبی صفوی و عثمانی در قفقاز" به ابعاد مذهبی این رقابت پرداخته‌اند. همچنین، این دو پژوهشگر در پژوهشی دیگر با عنوان "عوامل اقتصادی تنش میان صفویه و عثمانی در قفقاز و پیامدهای آن" ابعاد اقتصادی این منازعات را در همین منطقه بررسی کرده‌اند. با این حال، علاوه بر قفقاز، منطقه عراق عرب نیز به دلیل اهمیت استراتژیک و مذهبی خود، صحنه‌ای مهم از رقابت‌های این دو قدرت بوده است. پژوهشی با عنوان "بررسی جایگاه اقتصادی عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی در دوره صفوی" از بیاتی، رازنهان و دهقانی (۱۳۹۵) به بررسی

ابعاد اقتصادی این رقابت در عراق عرب و به‌ویژه در عتبات عالیات پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که عتبات عالیات به دلیل جنبه‌های مذهبی (مانند زیارت) و اقتصادی (مانند موقوفات و دفن اموات) نقشی مهم در روابط بین این دو دولت ایفاء می‌کرده است. همچنین پژوهشی با عنوان "سیاست صلح‌طلبی صفویان در برابر دولت عثمانی در سده دهم هجری قمری (با تکیه بر متن مکاتبات و نقش مذهب بر این سیاست)" از ثواقب، خالندی و پروانه (۱۳۹۹) به بررسی جنبه‌های مسالمت‌آمیز روابط صفویه و عثمانی و تأثیر آموزه‌های دینی بر این سیاست پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که صفویان تا حد امکان از جنگ با عثمانی پرهیز می‌کردند و به دنبال صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز بودند. پژوهشگران ترک نیز به بررسی روابط عثمانی و صفوی و جنبه‌های مختلف آن توجه کرده‌اند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. قاراجا (۲۰۰۲)^۱ به بررسی پیدایش دولت صفوی، نقش ترکان آناطولی در این فرایند و روابط دو دولت در دوره بایزید دوم می‌پردازد. آکینجی (۲۰۰۲)^۲ نیز روابط عثمانیان و صفویان در دوره سلطان سلیم را بررسی کرده و نتیجه پیروزی عثمانیان در جنگ چالدران و کاهش نفوذ حکومت صفوی در آناطولی را مورد توجه قرار داده است. علاوه بر آن، کویلی (۲۰۱۰)^۳ در مقاله‌ای به بررسی رویارویی حکومت عثمانی و صفوی در عراق عرب در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این منطقه بین دو قدرت دست‌به‌دست می‌شد.

جغرافیای عراق عرب

عراق پیش از آنکه به عنوان یک واحد سیاسی شناخته شود، معرف منطقه‌ای جغرافیایی بود. سرزمین‌هایی که امروزه عراق را تشکیل می‌دهند، در گذشته با نام «بین‌النهرین»^۴ شناخته

۱. این پژوهش با مشخصات زیر با عنوان پیدایش دولت صفوی و روابط عثمانی-صفوی در روزگار بایزید دوم ترجمه: حسین محمدزاده صدیق در کتاب تاریخ روابط ایران و عثمانی در عصر صفوی به کوشش نصرالله صالحی چاپ شده است. KARACA BEHSET, Safavi Devleti nin Ortaya Çıkışı ve II Bayezid Dönemi Osmanlı Safevi İlişkileri. Türkler, Yeni Türkiye Yayınları, 9(9), 409-420. 2002

۲. این پژوهش با مشخصات زیر با عنوان روابط عثمانیان و صفویان در دوره یاوز سلطان سلیم ترجمه: حجت فخری در کتاب تاریخ روابط ایران و عثمانی در عصر صفوی به کوشش نصرالله صالحی چاپ شده است.

Mustafa Ekinci, "Yavuz Sultan Selim Dönemi'nde Osmanlı-Safevi. İlişkileri", Türkler, IX, Ankara 2002, s. 446-458.

۳. این پژوهش با مشخصات زیر با عنوان رویارویی عثمانی و صفوی در عراق عرب (سده‌های دهم و یازدهم) ترجمه: نصرالله صالحی و صفیه خدیو در کتاب تاریخ روابط ایران و عثمانی در عصر صفوی به کوشش نصرالله صالحی چاپ شده است.

KÜPELİ Özer. Irak-1 Arap'ta Osmanlı - Safevi Mücadelesi (XVI-XVII. Yüzyıllar) Ottoman - Safavid Struggle on the Iraq-1 Arab (XVI-XVIIth Centuries). History Studies Ortadoğu Özel Sayısı / Middle East Special Issue.

۴. بین‌النهرین واژه‌ای یونانی به معنای بین رودخانه‌ها است و توسط رومیان برای منطقه بین فرات و دجله که طی قرن‌ها، شرقی‌ترین استان روم بود، ابداع شد (Nissen & Heine, 2009: 1).

می‌شدند و این نام به‌عنوان شناخته‌شده‌ترین اصطلاح برای این منطقه در تاریخ به کار می‌رفت. بین‌النهرین با ویژگی‌های خاص خود، در طول تاریخ بخشی مهم از سیاست‌های امپراتوری‌های بزرگ بود و پس از سده اول هجری/ هفتم میلادی به بخش لاینفک و جدایی‌ناپذیر جهان اسلام تبدیل شد.

در دوران اسلامی، قسمت شمالی بین‌النهرین، «جزیره» و قسمت جنوبی آن، «عراق عرب» نامیده می‌شد. مرز این دو ناحیه خطی بود که از تکریت به سمت غرب کشیده می‌شد و به شمال انبار و شهرهای ساحلی فرات که در شمال انبار واقع بودند، منتهی می‌گردید (Le Strange, 1905: 24-27). ناحیه جنوبی بین‌النهرین که خاک رسوبی حاصلخیزی داشت، به نام «عراق عرب» شناخته می‌شد و حدود جغرافیایی این منطقه در کتاب مختصر مفید به شرح زیر آمده است: «عراق عرب مملکتی است در غایت وسعت. حدودش از حد کهستان تا بادیه کوفه و دیار بنی شیبان و بحر فارس و ولایت خوزستان و کردستان و دیار بکر و از آنجا تا بصره و حیره و قادسیه» (مستوفی بافقی، ۱۳۹۶: ۲۷). بغداد، بصره و شهرهای مذهبی کربلا و نجف از مهم‌ترین شهرهای عراق عرب به‌شمار می‌رفتند.

شمال عراق «جزیره» نامیده می‌شد، چرا که آب‌های دو رودخانه دجله و فرات علیا، جلگه‌های آن را در برمی‌گرفت (Le Strange, 1905: 86). به گفته اصطخری جغرافیدان مسلمان، جزیره میان دو رود دجله و فرات واقع بوده است (اصطخری، [بی‌تا]: ۷۱). در کتاب حدودالعالم نیز جزیره اینگونه توصیف شده است: «ناحیتی است که چهار سوی آن آب است، از دو رود دجله و فرات؛ به همین دلیل این ناحیت را جزیره خوانند» (مؤلف ناشناخته، ۱۴۲۳: ۱۶۲) و در این ناحیه، موصل یکی از مهم‌ترین شهرهای جزیره به‌شمار می‌رفت.

یاقوت حموی موصل را «باب عراق»، «کلید خراسان» و «راه اتصال به آذربایجان» می‌داند و از این رو، آن را «موصل» می‌نامد، چرا که میان جزیره و عراق واقع شده و دو رود دجله و فرات را به یکدیگر وصل می‌کند (یاقوت حموی، ۱۹۹۶: ۲۲۳/۵). در کتاب مختصر مفید^۱ نیز موصل جزئی از عراق آمده و چنین آورده است که: «بنا بر آنکه موصل متصل به عراق عرب است و بیشتر اوقات در تصرف سلاطین و حکام عراق بوده، گویا از جمله ولایات عراق عرب است... نیز بعضی از مورخین برآنند که اگر چه موصل دارالملک دیار بکر و دیار ربیع است، اما در زمین عراق عرب واقع شده و داخل این مملکت است، لہذا در تحت عراق عرب مرقوم گردید» (مستوفی بافقی، ۱۳۹۶: ۶۶).

۱. تنها اثر جغرافیایی دوره صفویان.

فتح عراق عرب و اقدامات شاه اسماعیل

در اوایل قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی عراق عرب تحت حاکمیت آق قویونلوها قرار داشت که از سال ۸۷۴ق. / ۱۴۶۹م. بر این منطقه تسلط یافته و تا سال ۹۱۴ق. / ۱۵۰۸م. در آنجا حکمرانی کردند. اما در این سال، عراق عرب به تصرف سلسله صفویان که به تازگی در ایران ظهور کرده بودند، درآمد (میرخواند، ۱۲۷۰: ۲۳۷). شاه اسماعیل صفوی که پس از پیروزی بر آق قویونلوها در ایران، در پی سرکوب بازماندگان آنان در خارج از ایران به‌ویژه در عراق عرب بود، موفق شد که سلطنت خود را در این منطقه مستحکم کند. پس از شکست سلطان مراد (حک ۸۸۲-۸۷۶ق. / ۱۵۰۳-۱۴۹۷م.) از شاه اسماعیل، او به بغداد گریخت و به باریک بیگ پرناک^۱ که پس از افول آق قویونلوها حکومتی مستقل در عراق عرب تأسیس کرده بود، پناه برد (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۵۸-۲۵۷). سلطان مراد که در برابر قدرت فزاینده صفویان احساس ضعف می کرد، تلاش نمود تا از امارت ذوالقدر^۲ (۹۲۸-۷۳۸ق. / ۱۵۲۱-۱۳۳۷م.) و حکومت ممالیک^۳ (۹۲۲-۶۴۸ق. / ۱۵۱۷-۱۲۵۰م.) کمک بگیرد، اما به دلیل مشکلات داخلی این حکومت‌ها، هیچ کمکی به او نرسید (طغوش، ۱۴۳۶: ۲۴).

با فراهم شدن شرایط، شاه اسماعیل به سمت بغداد حرکت کرد و نیروهای صفوی پس از نزدیک شدن به شهر، بدون مقاومت جدی وارد آن شدند. باریک بیگ پرناک، فرمانده آق قویونلو بغداد را ترک کرد و این شهر بدون درگیری‌های چشمگیر به تصرف صفویان درآمد (مؤلف ناشناخته، ۱۴۰۶: ۲۸۴-۲۷۹؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۹۴/۴-۴۹۳). پس از فتح بغداد، شاه اسماعیل اقدامات متعددی در زمینه‌های سیاسی، مذهبی و عمرانی در این شهر انجام داد و به سرعت امور سیاسی و اداری منطقه را ساماندهی کرد. او خادم بیگ را به‌عنوان والی بغداد منصوب نمود تا وضعیت منطقه را تحت کنترل داشته باشد (العزاوی، ۱۹۳۹: ۳۳۷/۳). همچنین در راستای تقویت قدرت صفویان و جلب حمایت بزرگان محلی، سید محمد کمونه که پیش‌تر توسط باریک بیگ زندانی شده بود، آزاد گردید و منصبی حکومتی دریافت کرد (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۲۴).

شاه اسماعیل به مسائل مذهبی و تقویت جایگاه شیعه در عراق عرب نیز توجه ویژه‌ای داشت. او دستور ساخت صندوق‌های منقوش با نقوش اسلامی و نصب قندیل‌های طلا در

^۱ از سرداران مشهور قبیله پرناک (پورناک)، این قبیله یکی از قبایل اصلی اتحادیه آق قویونلو بود و در ناحیه دیار بکر سکونت داشتند (قصایی‌نژاد، ۱۳۷۵: ۵۶۶/۵).

^۲ این سلسله در کوه‌های توروس و منطقه فرات علیا با مرکزیت مرعش و البستان حکومت داشتند (بانورث، ۱۳۸۱: ۴۵۸).

^۳ دودمان فرماندهان ترک و چرکس بود که در مصر و شام فرمانروایی یافتند.

حرم‌های مقدس اهل بیت (ع) به‌ویژه در کربلا و نجف را داد. علاوه بر این، او به مهندسان و هنرمندان دستور داد تا به ترمیم و ساخت بناهای جدید در این مناطق بپردازند و در سفرهای خود به عتبات، به زوار نذورات و هدایای فراوانی می‌بخشید تا فضای معنوی و دینی این مکان‌ها تقویت شود (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/۴۹۵-۴۹۳). همچنین، دستور ساخت نقاره‌خانه‌هایی در آستان امامان معصوم (ع) برای برگزاری مراسم مذهبی روزانه صادر کرد (مؤلف ناشناخته، ۱۴۰۶: ۲۹۲-۲۸۹). وی همچنین در زمینه عمرانی نیز اقدامات قابل توجهی انجام داد. دستور ساخت بنایی در کنار مرقد امام موسی کاظم (ع) و امام محمدتقی (ع) صادر کرد و استادکارانی از مناطق مختلف برای این پروژه گردآوری شدند. اگر چه گنبد این بنا به اتمام رسید، اما سایر بخش‌ها ناتمام ماند (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۲۴). از دیگر اقدامات عمرانی شاه اسماعیل، بازسازی نهر قدیمی و تخریب‌شده در دوران سلاطین چنگیزی بود. این پروژه با نام «نهر شریف» به پایان رسید و با هزینه‌ای بالغ بر ده هزار تومان، درآمد سالانه آن به امامان هدی اهداء می‌شد (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۲۴). همچنین شاه اسماعیل به آبادانی شهر نجف توجه ویژه‌ای داشت و تلاش‌هایی برای رساندن آب به حرم امیرالمؤمنین (ع) انجام داد (مؤلف ناشناخته، ۱۴۰۶: ۲۹۲-۲۸۹).

همچنین شاه اسماعیل در راستای تثبیت قدرت صفویان در عراق عرب، بر ضد علمای اهل سنت نیز اقداماتی انجام داد و خود را به عنوان سرور عراق عرب و بغداد معرفی کرد، بدون آنکه حکومت‌های سنی مذهب بزرگ مانند امپراتوری عثمانی علیه او اقدامی جدی انجام دهند (العزاوی، ۱۹۳۹: ۳/۳۳۷)؛ این واقعیت نشان‌دهنده قدرت و نفوذ روزافزون صفویان در این منطقه بود. برای درک دقیق‌تر اینکه چرا فتح عراق عرب برای شاه اسماعیل ضروری بود، باید به عواملی که پشت این تصمیم قرار داشت، توجه کرد. عراق عرب به عنوان یک منطقه استراتژیک، علاوه بر موقعیت جغرافیایی خاص خود، با داشتن مراکز مذهبی شیعی چون کربلا و نجف برای شاه اسماعیل که خود را حامی تشیع می‌دانست، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. علاوه بر این، عراق عرب در تقاطع مسیرهای ارتباطی مهم قرار داشت و کنترل آن می‌توانست به صفویان قدرت بیشتری در منطقه بدهد. بنابراین، تحلیل این عوامل به روشن‌تر شدن انگیزه‌های شاه اسماعیل و ضرورت فتح عراق عرب در راستای اهداف سیاسی، مذهبی و اقتصادی صفویان کمک می‌کند.

عوامل مؤثر بر فتح عراق عرب توسط شاه اسماعیل

موقعیت جغرافیایی عراق عرب جایگاه استراتژیک به این کشور بخشیده است، چرا که عراق عرب به عنوان پلی زمینی عمل می‌کند که سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، همچنین اقیانوس هند و دریای مدیترانه را به یکدیگر متصل می‌سازد. این بدان معناست که کوتاه‌ترین مسیر زمینی میان اروپا از یک سو و شرق و جنوب آسیا از سوی دیگر از خاک عراق عرب می‌گذرد. به دلیل همین اهمیت استراتژیک، عراق عرب در دوران رونق تجارت زمینی نقش به‌سزایی ایفاء می‌کرد، چرا که این کشور در تقاطع مسیر کاروان‌های تجاری میان قاره‌های کهن قرار داشت (عبدالقادر، ۱۹۷۰: ۱۵). از دیدگاه جغرافیای طبیعی، عراق عرب نه تنها در غرب ایران واقع بود، بلکه از جنبه‌های مذهبی، ایدئولوژیک، استراتژیک، اقتصادی و سیاسی نیز برای شاه اسماعیل اهمیت ویژه‌ای داشت و همین امر در فتح عراق عرب توسط وی تأثیرگذار بود.

نهیضت شاه اسماعیل متکی بر مذهب تشیع بود و حکومت صفوی خود را نخستین مدافع این مذهب و مسئول گسترش آن می‌دانست. «شاه اسماعیل پس از نشستن بر تخت پادشاهی دستور داد که همه خطبا خطبه را به نام دوازده امام بخوانند و عبارت «أشهد أنّ علیاً ولیّ الله» را به اذان اضافه کنند. همچنین فرمان داد که در بازارها ابابکر، عمر و عثمان لعن شوند و هر کس با این فرمان مخالفت کرد، سرش از تن جدا گردد.» (روملو، ۱۳۵۷: ۸۶-۸۵). بدین ترتیب، یکی از مهم‌ترین اقدامات شاه اسماعیل، رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع در قلمرو حکومت خود بود.

تشیع علوی که میراث شیعه‌های افراطی آناتولی بود، می‌بایست تعدیل می‌شد. این تعدیل به این معنا بود که نه تنها در دیدگاه‌های تاریخی، عقاید و بینش، بلکه در فقه و حکومتداری نیز باید فقه شیعه مبنا قرار می‌گرفت. در این زمان، خانقاه اردبیل میراث فقهی از هیچ نوعی در اختیار نداشت و برای رسیدن به این هدف، وجود عالمان و فقیهان شیعه ضروری بود. یکی از مهم‌ترین مناطق که در این زمینه نقشی مهم ایفاء می‌کرد، عراق عرب بود (جعفریان، ۱۳۹۳: ۸۳۷)؛ بنابراین، تصرف عراق عرب برای شاه اسماعیل به منظور تحقق این هدف، ضروری به نظر می‌رسید. از این رو، تسلط شاه اسماعیل بر کربلا (مرقد امام حسین) و نجف (مرقد امام علی) به حرکت او انگیزه‌ای قوی می‌بخشید و وی به هدفی مذهبی دست می‌یافت (نوار، [بی تا]: ۶۶؛ طقوش، ۱۴۳۰: ۵۹). همچنین وجود عتبات عالیات که مراکز مقدس شیعیان به‌شمار می‌رفتند و تسلط شاه اسماعیل بر بغداد، مرکز سنتی جهان اسلام و پایتخت خلافت عباسی، به وی مقامی رفیع در میان مسلمانان می‌داد و تأثیر عمیقی بر وجدان مسلمانان

می گذاشت و اعتبار زیادی برای او به ارمغان می آورد (نوار، [بی تا]: ۶۶). علاوه بر این، شیعیان عراق عرب، شاه ایران را حامی خود می دانستند و هر زمان که آسیبی به آنان می رسید و یا با کمبود مالی مواجه می شدند، به او مراجعه می کردند. همچنین حکومت ایران علاقه مند به انجام اصلاحات معماری در بقاع متبرکه بود که باعث می شد تا شیعیان عراق عرب معتقد باشند که در صورت تیره شدن روابط میان آنها و مسلمانان سنی عراق عرب، ایران از آنها حمایت خواهد کرد؛ بنابراین، طبیعی بود که شیعیان عراق عرب منتظر روزی باشند که ایران بر این سرزمین حکومت کند (طقوش، ۱۴۳۰: ۵۹).

از عوامل مهم که صفویان را به گسترش در سمت غرب و عراق عرب سوق داد، این بود که این مناطق مملو از قبایل عرب پیرو مذهب شیعه بودند و از دو بعد ایدئولوژیک و استراتژیک دارای اهمیت بودند. آنها با بهره گیری از این قبایل می توانستند حکومتی قدرتمند تشکیل دهند که از نظر اهمیت و جایگاه، کمتر از حکومت های عثمانی و ممالیک مصر نباشد (صباغ، ۱۴۲۰: ۱۱۸).

حاصلخیزی کشاورزی عراق عرب می توانست بسیاری از نیازهای جمعیت ایران را برآورده کند (عبدالله، ۲۰۱۴: ۱۵۶) و همچنین درآمدهای حاصل از آن می توانست تداوم حکومت و جاه طلبی های آنها را تضمین کند (صباغ، ۱۴۲۰: ۹۳). اما مهم ترین انگیزه حکومت صفوی از گسترش به سمت عراق عرب، کنترل راه تجاری بود که از دیار بکر و موصل می گذشت؛ راهی که دره بین النهرین را از بغداد به سمت خلیج فارس قطع می کرد. از سوی دیگر، موصل یکی از مهم ترین ایستگاه های بین المللی و دروازه طبیعی شمال عراق عرب بود و دسترسی به آناتولی و شام را فراهم می کرد (طقوش، ۱۴۳۴: ۱۵۵). نکته ای که در رابطه با عامل اقتصادی قابل ذکر است، این بود که پس از محاصره تجاری که در اواخر سلطنت بایزید دوم بر تجارت ایران تحمیل شد، انتقال مسیر تجارت حکومت صفوی به محورهای جنوبی که موصل را به حلب و سواحل مدیترانه متصل می کرد، ضروری بود. این مسیر از اهمیت و پویایی کمتر از محور ارزروم- بوسرا برخوردار نبود (صباغ، ۱۴۲۰: ۱۵۱). از این منظر می توان به دلایل پیگیری بی وقفه صفویان برای کنترل مناطق استراتژیک جنوبی آناتولی، شام و مدیترانه پی برد.

عراق عرب و شهرهای اصلی آن (بغداد، بصره و موصل) مراکز مهم حمل و نقل و ارتباطات بودند که ایران را از طریق آنها به دریای مدیترانه متصل می کردند. بنابراین، کوتاه ترین مسیر ممکن که تبریز را به مدیترانه وصل می کرد، از این طریق تضمین می شد و عراق عرب همچنین مسیری حیاتی بود که هند را به خاور نزدیک متصل می کرد (صباغ، همان: ۹۳).

مجموعه این عوامل تسلط صفویان بر عراق عرب را به یک ضرورت مبرم تبدیل کرد. می توان گفت که حکومت مقتدر صفوی در ایران جز با گسترش قلمرو خود به سمت مراکز اصلی راه های مواصلاتی نمی توانست در شرق اسلامی استحکام یابد. در این میان، عراق عرب با توجه به موقعیت محوری خود، نقش اساسی در توسعه طلبی حکومت صفوی ایفاء می کرد. بدین ترتیب، اهمیت عراق عرب برای صفویان فراتر از یک تصرف نظامی ساده بود، چرا که این منطقه به عنوان یک مرکز مذهبی، اقتصادی، سیاسی و نظامی نقشی حیاتی برای صفویان به منظور ایجاد یک حکومت قدرتمند و پایدار ایفاء می کرد. فتح عراق عرب نه تنها یک ضرورت مذهبی و سیاسی، بلکه یک تصمیم استراتژیک برای تثبیت قدرت صفویان در سطح منطقه بود.

واکنش امپراتوری عثمانی به فتح عراق عرب و توسعه مرزهای حکومت صفوی

هنگامی که شاه اسماعیل عراق عرب را تصرف نمود و آن را به قلمرو صفوی ضمیمه کرد، سلطان بایزید دوم در عثمانی حکومت می کرد. وی به طور طبیعی تمایل به صلح داشت و حتی زمانی که شاهزاده سلیم به ارزنجان حمله کرد، سلطان بایزید با ارسال هدایای مختلف سعی در کاهش تنش ها داشت (مجیر شیبانی، ۱۳۴۶: ۱۵۶-۱۵۵). در آن زمان، به دلیل پیروی و کهولت سن سلطان عثمانی و از همه مهم تر اختلافات داخلی میان مدعیان سلطنت - به ویژه عصیان پسر کوچک خود، سلیم - وی از رویارویی آشکار و اقدامات مستقیم علیه شاه اسماعیل خودداری کرد (اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۲۶۶/۲-۲۴۹). بدین ترتیب، حکومت عثمانی در آن دوران سیاست مدارا را در روابط خود با صفویان در پیش گرفت. اما با جلوس سلطان سلیم بر تخت سلطنت، رویکرد عثمانی ها به طور قابل توجهی تغییر کرد.

سلطان سلیم توجه اصلی خود را به مرزهای شرقی عثمانی معطوف کرده بود. در آن زمان، حکومت صفوی در ایران به تازگی به قدرت رسیده بود و نگرانی هایی در باره مواجهه با آن وجود داشت. سلطان سلیم نخستین فردی بود که به طور عمیق با مسائل مربوط به مرزهای شرقی دولت عثمانی آشنا شد (مصطفی، ۱۴۲۴: ۷۶). تحرکات شاه اسماعیل در مناطق جنوبی و شرقی قلمرو عثمانی، به ویژه در ناحیه جزیره با نگرانی و سوءظن سلطان سلیم همراه بود، چرا که هدف شاه اسماعیل از این اقدامات، کنترل مناطق استراتژیکی بود که ایران را از مسیر عراق عرب به آناتولی و شام متصل می کرد (طوقوش، ۱۴۳۶: ۲۶-۲۵).

برخی از محققان یکی از دلایل توجه امپراتوری عثمانی به مرزهای شرقی خود را سیاست دولت صفوی در ایران و تلاش برای گسترش مذهب تشیع در عراق عرب و آسیای صغیر

می‌دانند. این عامل باعث شد تا امپراتوری عثمانی به منظور حفاظت از آسیای صغیر به ویژه و به طور کلی از جهان سنی در برابر گسترش تشیع، به مشرق عربی توجه بیشتری داشته باشد (أنیس، [بی تا]: ۱۰۳). نتیجه این تقابل میان حکومت عثمانی و صفوی، نخستین جنگ دو حکومت در دشت چالدران بود که به پیروزی سلطان سلیم بر سپاه صفوی و تصرف تبریز انجامید. بررسی نتایج جنگ چالدران به وضوح موقعیت استراتژیک عراق عرب را در شکل‌گیری این جنگ روشن می‌سازد. پس از جنگ چالدران، مناطق شمالی عراق عرب، دیار بکر و بخشی از آذربایجان به تصرف عثمانی درآمد و بدین ترتیب، امنیت مرزهای شرقی عثمانی تأمین شد (أنیس، [بی تا]: ۱۰۷).

الحاق شمال عراق عرب و شرق آناتولی به دولت عثمانی نتایج استراتژیک و اقتصادی مهم از جمله حفظ فلات آناتولی در برابر تهدیدات صفویان داشت (العوفی، ۲۰۰۸: ۱۴۸). افزون بر این، عثمانی‌ها بر محورهای دیار بکر- ماردین و موصل (شمال عراق عرب) تسلط یافتند (طقوش، ۱۴۳۴: ۱۷۳). این تسلط به معنای کنترل دولت عثمانی بر مسیرهای حمل و نقل ابریشم ایران بود که تبریز را به حلب متصل می‌کرد (صباغ، ۱۴۲۰: ۱۳۴). در واقع، تسلط عثمانی‌ها در جبهه شرقی همراه با کنترل نقاط جغرافیایی و استراتژیک کلیدی بود، به ویژه تسلط بر این محور که مناطق کردنشین سنی را شامل می‌شد و راه‌های عثمانی‌ها را از طریق بغداد به خلیج فارس می‌گشود (طقوش، ۱۴۳۴: ۱۷۳). پس از جنگ چالدران، سلطان سلیم به تصرف بخش‌های شمالی عراق عرب به ویژه شهر موصل بسنده کرد. در اینجا نکته قابل توجه، چرایی فتح موصل و مناطق شمالی عراق عرب است که به خوبی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری جنگ چالدران را از منظر موقعیت عراق عرب توضیح می‌دهد.

نمی‌توان اهمیت موقعیت جغرافیایی و تأثیرات آن بر تحولات سیاسی و اقتصادی شمال عراق عرب را نادیده گرفت. دشت جزیره از نظر استراتژیک برای ارتباط با جنوب آناتولی و مرکز عراق عرب اهمیت زیادی داشت و همچنین شهر باستانی موصل در این منطقه قرار داشت. این شهر که در کنار رود فرات واقع شده، دسترسی مستقیم به بغداد و بصره از طریق مسیرهای آبی و ارتباط با کوه‌ها و روستاهای کردستان از طریق خشکی را فراهم می‌کرد. به همین دلیل، موصل به عنوان یک دارایی حیاتی برای هر فاتح به‌شمار می‌رفت (Fattah & Caso, 2009: 115). موقعیت جغرافیایی موصل به این شهر مزیت استراتژیک می‌بخشید و هر حکومتی که قصد گسترش قلمرو خود را داشت و قادر بود مسیرهای عمودی (خشکی و آبی) و افقی آن را کنترل کند، می‌توانست در دو زمینه برتری یابد: نخست: خنثی کردن اهداف

حریف و دوم: استفاده از آن به عنوان پایگاهی نظامی برای نفوذ به مناطق همجوار (علی، ۱۴۳۱: ۳۳).

موصل از سمت شرق و شمال به کوهستان، از سمت جنوب به مناطق رسوبی و از سمت غرب به بیابان منتهی می‌شود. در سمت شرق، رشته‌کوه‌های زاگرس قرار دارند که به کوه‌های طوروس متصل می‌شوند و حائلی طبیعی میان شمال عراق عرب و فلات آناتولی ایجاد می‌کنند. وجود این مناطق کوهستانی، حصاری طبیعی در برابر حملات برای شهر فراهم می‌آورد و دشت رسوبی جنوب شهر نیز از نظر کشاورزی غنی است. ارتباط موصل با مناطق مرکزی و جنوبی عراق عرب از طریق مسیرهای زمینی و رودخانه‌ای، مزیت‌های زیادی به آن بخشیده است. این موقعیت جغرافیایی، موصل را به مهم‌ترین منطقه دسترسی به آناتولی و همچنین حلب و بنادر مدیترانه تبدیل کرده است. از نظر استراتژیک، موصل مشابه ارزروم بود و ویژگی‌های جغرافیایی، آن شهر را منحصر به فرد می‌ساخت، زیرا میان کوه‌های ناهموار کردستان و دشتهایی قرار داشت که از جنوب موصل شروع شده و تا خلیج فارس امتداد می‌یابند (علی، ۱۴۳۱: ۳۴-۳۳). موصل به عنوان یک مرکز تجاری بزرگ در مسیری قرار داشت که دریای مدیترانه را به خلیج فارس متصل می‌کرد و از نظر استراتژیک، این شهر برای عثمانی‌ها می‌توانست به عنوان یک پایگاه نظامی به منظور دفاع از امپراتوری در برابر رقیب اصلی خود، حکومت صفوی عمل کند (Agoston & Masters, 2009: 394).

منازعات میان صفویان و عثمانی‌ها عمدتاً در مناطق شرق آناتولی و عراق عرب متمرکز بود و دلایل این تمرکز را می‌توان در موقعیت جغرافیایی و اهمیت راهبردی این مناطق جستجو کرد. منطقه وسیع میان موصل و ارزروم به عنوان دروازه اصلی شرق و جنوب به سمت فلات آناتولی شناخته می‌شد و تسلط بر این منطقه، دسترسی به دشت‌های حاصلخیز آناتولی و در نهایت به قلب امپراتوری عثمانی را ممکن می‌کرد. همچنین راه‌های ارتباطی مهم که از این منطقه به سمت استانبول امتداد می‌یافتند، بر اهمیت استراتژیک آن می‌افزود. موصل به عنوان نقطه عطفی در این مسیر، نقش کلیدی در کنترل این راه‌ها و دسترسی به مناطق وسیع‌تری چون آناتولی، حلب و سواحل مدیترانه ایفاء می‌کرد (العوفی، ۲۰۰۸: ۹۹).

حکومت عثمانی در دو قرن اول گسترش خود (قرون هشتم و نهم هجری قمری/ چهاردهم و پانزدهم میلادی) فتوحاتش را عمدتاً به سمت غرب گسترش داد و بخش شرقی را برای حضور امپرنشین‌های ضعیف و وفادار ترکمن باقی گذاشت. اما با ظهور حکومت صفوی در آغاز قرن دهم هجری قمری/ شانزدهم میلادی و توانایی آنها در جمع‌آوری قبایل ترکمن به یک

نیروی نظامی قدرتمند، کنترل شرق آناتولی و گسترش نفوذ خود به سمت عراق عرب و شام، مقابله با حکومت صفوی به یک ضرورت استراتژیک برای عثمانی‌ها تبدیل شد. سلطان سلیم با شکست صفویان در جنگ چالدران، فتح تبریز و تصرف مناطق عربی از جمله شمال عراق عرب، کمر بند استراتژیک در مقابل توسعه حکومت صفوی ایجاد کرد (العوفی، ۲۰۰۸: ۱۰۰). از آنجایی که شمال عراق عرب مهم‌ترین مسیر ارتباطی با جنوب آناتولی بود، تسلط بر آن می‌توانست به عنوان پایگاهی جهت گسترش نفوذ صفویان در آناتولی عمل کند. به همین دلیل، سلطان سلیم به منظور حفظ امنیت جنوب آناتولی پس از جنگ چالدران، مناطق شمالی عراق عرب و شهر مهم موصل را تصرف کرد. از این منظر می‌توان گفت که دفع خطر حکومت صفوی از شمال عراق عرب یکی از عوامل مؤثر در وقوع جنگ چالدران بود. جنگ چالدران نه فقط یک نبرد مذهبی، بلکه جنگی بر سر کنترل مناطق استراتژیک به ویژه عراق عرب بود که تأثیر به‌سزایی در موازنه قدرت بین دو امپراتوری بزرگ آن زمان داشت. سرانجام این تحولات راه را برای فتح مرکز و جنوب عراق عرب در دوره سلطان سلیمان هموار کرد.

منازعات عثمانی و صفوی در عراق عرب و کنترل بغداد و بصره

موصل که در شمال عراق عرب واقع شده است، پس از جنگ چالدران از سیطره حکومت صفوی خارج شد. با این حال، فرآیند الحاق این منطقه به نظام اداری عثمانی تا سال ۹۲۴ق. / ۱۵۱۸م. طول کشید. در این زمان، موصل به عنوان یکی از سنجاق‌های^۱ زیرمجموعه دیاربکر در قلمرو عثمانی به حساب می‌آمد و همچنان تحت کنترل مستقیم حکومت عثمانی قرار داشت (صباغ، ۱۴۲۰: ۱۵۵). در این دوره، روابط بین دو قدرت مهم منطقه‌ای تا حدود زیادی آرام بود؛ اما این وضعیت به‌ویژه در دوران حکومت سلطان سلیمان قانونی و شاه طهماسب به تدریج دستخوش تغییرات و تنش‌هایی شد. در این دوران، هر دو طرف با در نظر گرفتن منافع خود تلاش می‌کردند تا نفوذ و قدرت بیشتری در این منطقه به دست آورند.

^۱ سنجاق یک واحد نظامی-اداری در امپراتوری عثمانی بود. واژه «سنجاق» از کلمه ترکی "sancak" به معنای «پرچم» گرفته شده است. این نواحی بخشی از ساختار اداری وسیع‌تر امپراتوری بودند که شامل ولایت‌هایی به نام‌های ایالت‌ها یا ولایت‌ها می‌شد. هر سنجاق تحت نظر یک مقام محلی به نام سنجاق‌بی قرار داشت که مسئول حفظ نظم و جمع‌آوری مالیات در منطقه بود. سیستم سنجاق بخشی حیاتی از سازمان اداری عثمانی بود که به دولت مرکزی این امکان را می‌داد تا بر سرزمین‌های وسیع خود کنترل داشته باشد و قدرت را به رهبران محلی واگذار کند. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: (شاهو، ۱۳۷۰: ۲۱۸/۱-۲۱۶)

در دوران حکومت سلطان سلیمان قانونی، اولویت های سیاست خارجی امپراتوری عثمانی به طور مجدد و مشخص تبیین شدند. سیاست کلی سلطان سلیمان در این دوره، محاصره و به حاشیه راندن صفویان بود تا از تهدیدات آنها در جبهه شرقی کاسته شود. برای پیاده سازی موفق این استراتژی ضروری بود که رود فرات به عنوان یک مرز طبیعی میان دو حکومت درآید (KÜPELİ, 2010: 230). در نتیجه، تسلط بر عراق عرب به عنوان یک نقطه کلیدی، اهمیت ویژه ای در تعیین موازنه قدرت در منطقه پیدا می کرد. هر دو طرف (صفویان و عثمانی ها) نه فقط به دلایل نظامی و سیاسی، بلکه به عنوان یک استراتژی برای حفظ امنیت و تضمین منافع حکومت هایشان به دنبال نفوذ و برتری در این منطقه بودند.

سلطان سلیمان در سال ۹۳۹ق. / ۱۵۳۳م. موفق شد بغداد را تصرف کند و به این ترتیب، کنترل خود را بر یکی از مهم ترین مراکز استراتژیک و فرهنگی منطقه تثبیت کرد. در پی این تصرف، عثمانی ها در تلاش برای تقویت نفوذ خود در دیگر مناطق عراق عرب نیز بودند. بصره یکی دیگر از شهرهای مهم جنوب عراق عرب بدون نیاز به درگیری نظامی به تصرف عثمانی ها درآمد. پس از این اقدام، عثمانی ها به سرعت فرمانداری را از طرف خود برای حکومت بر این شهر منصوب کردند و بصره به عنوان یکی از نقاط تحت کنترل امپراتوری عثمانی درآمد (العزوی، ۱۴۲۵: ۶۷/۴-۶۱، ۵۱، ۲۶).

در حقیقت، عامل اصلی در اقدامات سلطان سلیمان که بدون شک از جنبه استراتژیک اهمیت زیادی داشت، بازگشت صفویان به تبریز، پایتخت پیشین خود و همچنین حضور مجدد آنها در بغداد بود. این دو تغییر مهم به ویژه از آن جهت که منافع اقتصادی حکومت صفوی را در عراق عرب حفظ می کرد، برای عثمانی ها تهدید جدی به شمار می رفت. تصرف بغداد توسط صفویان، به ویژه از منظر اقتصادی، نه تنها دستاوردهای سیاسی آنان را تقویت کرد، بلکه تهدیدی برای راه های تجاری حیاتی شرق به اروپا بود، زیرا این مسیرها از طریق عراق عرب به هم متصل می شد (صباغ، ۱۴۲۰: ۱۵۵). این تحولات یادآور اهداف مشابهی بود که بیست سال پیش، سلطان سلیم اول را به حمله به ایران واداشت، چرا که تسلط بر این مسیرهای تجاری برای هر دو حکومت از اهمیت ویژه ای برخوردار بود.

مرحله دوم جنگ های عثمانی - صفوی در این دوره، نه تنها ماهیتی سیاسی و نظامی داشت، بلکه ابعاد تجاری و فرقه ای نیز در آن دخیل بود. عراق عرب به عنوان نقطه ای حساس در این منازعات، صحنه اصلی این رویارویی ها بود. برای عثمانی ها، تسلط بر عراق عرب به منزله کنترل بر مسیرهای تجاری و تحکیم نفوذ در منطقه بود، در حالی که برای صفویان،

حفظ بغداد به عنوان یک مرکز اقتصادی و مذهبی به منظور تقویت مشروعیت داخلی و خارجی حکومتشان ضروری بود. این درگیری‌ها که ترکیبی از رقابت‌های مذهبی شیعه و سنی و همچنین جنگ‌های تجاری و سیاسی بود، بر سر تعیین سلطه بر عراق عرب و مسیرهای تجاری اهمیت ویژه‌ای داشت.

بغداد و مرکز عراق عرب برای حکومت صفوی از آن جهت اهمیت داشت که عمده راه‌های تجاری که از شرق می‌آمدند و از ایران عبور می‌کردند، به بغداد و در نهایت از آنجا به شام و آناتولی منتهی می‌شدند. مهم‌ترین کالای تجاری این مسیرها نیز ابریشم بود و مهم‌ترین مسیرهای تجاری ابریشم از چین، ماوراءالنهر، خراسان، سمنان (آخرین شهر منطقه خراسان)، ری، قزوین، همدان عبور می‌کرد و به بغداد می‌رسید (صباغ، ۱۴۲۰: ۵۵-۵۴). بغداد به عنوان یک مرکز مهم مواصلاتی در این شبکه تجاری شناخته می‌شد، به طوری که گروهی از مسیرهای حیاتی از آنجا منشعب و به موصل در شمال و بصره در جنوب منتهی می‌شدند.

مسیری که از بغداد به سمت شمال غرب عبور می‌کرد، بهترین مسیر ارتباطی میان فلات ایران و دریای مدیترانه بود. این مسیر که در جهت شمال غرب و در امتداد رود دجله حرکت می‌کرد، به موصل (یکی از سه شهر مهم عراق عرب) می‌رسید. موصل به خاطر موقعیت استراتژیک خود، نقشی مهم در اتصال عراق عرب به ایران و شام به آناتولی داشت (صباغ، ۱۴۲۰: ۵۵-۵۶). از موصل، این مسیر به رقه در سوریه و از آنجا به حلب می‌رسید و از حلب، مسیر به دمشق متصل می‌شد و سپس کالاها به طرابلس و بندر اسکندرون در ساحل دریای مدیترانه هدایت می‌شد؛ جایی که کالاهای شرق و غرب هم‌زمان در آنجا جمع می‌شدند (صباغ، ۱۴۲۰: ۵۶). این مسیرهای تجاری به‌ویژه برای حکومت صفوی حیاتی بودند، چرا که نه تنها از منظر اقتصادی، بلکه از نظر راهبردی نیز کنترل آنها به معنای تسلط بر یکی از مهم‌ترین شبکه‌های ارتباطی بین شرق و غرب بود.

بدین سان، بغداد نقشی حیاتی در مبارزه میان امپراتوری عثمانی و پادشاهی صفوی ایفاء می‌کرد و به عنوان منطقه‌ای استراتژیک برای هر دو حکومت اهمیت داشت. این شهر به عنوان یک منطقه مرزی، موقعیتی خاص داشت که از آن می‌شد بر منطقه‌ای وسیع‌تر حکومت کرد. هر کسی که کنترل بغداد را در اختیار داشت، قادر بود عبور و مرور رودخانه‌های دجله و فرات را که در آن زمان به عنوان مسیرهای تجاری اصلی بین هند و دریای مدیترانه شناخته می‌شدند، کنترل کند. این کنترل نه تنها جنبه تجاری داشت، بلکه در مواقع جنگی، تسلط بر این رودخانه‌ها به عنوان یک عنصر حیاتی در تدارکات نظامی نیز بسیار مهم بود. علاوه بر این،

بغداد به عنوان یک شهر پادگانی، نقشی ضروری در توقف حملات بادیه نشینان از سمت عربستان داشت و موقعیت آن به عنوان یک خط دفاعی در برابر تهدیدات از جنوب نیز اهمیت داشت (Agoston & Masters, 2009: 71).

بغداد به عنوان یک سنگر مستحکم دفاعی و یکی از مهم ترین مراکز نظامی و سیاسی، نقش ویژه ای در جلوگیری از پیشروی های ایرانیان در منطقه ایفاء می کرد (حورانی، ۱۹۹۷: ۲۶۱-۲۶۰). علاوه بر جنبه های نظامی، بغداد به عنوان یک مرکز مهم فرهنگی و مذهبی نیز برای عثمانی ها جایگاه ویژه ای داشت. بغداد و عراق عرب به طور کلی، بخشی مهم از جهان عرب و اسلام را شامل می شدند و اختلافات مذهبی میان عثمانی ها (که اهل سنت بودند) و ایرانی ها (که شیعه بودند)، این اهمیت مذهبی را دوچندان می کرد. اشغال بغداد برای عثمانی ها نه تنها به معنای کنترل یک نقطه استراتژیک در برابر ایران بود، بلکه در عین حال به عنوان یک مرکز پرنفوذ مذهبی، عثمانی ها را در جایگاه رهبری دینی در جهان اسلام قرار می داد.

بغداد از میانه قرن دوم هجری قمری/ هشتم میلادی تا تسلط مغولان در قرن هفتم هجری قمری/ سیزدهم میلادی مرکز خلافت عباسی بود. در این شهر مزارهایی چون مزار ابوحنیفه (وفات ۱۵۰ق./ ۷۶۷م.) مؤسس مذهب حنفی و مزار عبدالقادر گیلانی (وفات ۵۶۱ق./ ۱۱۶۵م.) از صوفیان بزرگ اهل سنت قرار داشت؛ بنابراین، در اختیار داشتن عراق عرب و بغداد برای حکومت عثمانی که خود را حامل اهل سنت می دانست، به معنای نفوذ عظیم عثمانیان در جهان اسلام بود (KÜPELİ, 2010: 229). این امر نه تنها بر جنبه های سیاسی و نظامی سلطنت عثمانی تأثیر گذاشت، بلکه به واسطه جایگاه مذهبی بغداد در جهان اسلام، عثمانی ها توانستند خود را به عنوان رهبران دینی اهل سنت معرفی کنند. در واقع، بغداد با تاریخ غنی خود در زمینه علم، فرهنگ و مذهب، به ویژه در زمینه مذهب حنفی و تصوف، به عنوان یک نماد فرهنگی و مذهبی در جهان اسلام شناخته می شد؛ بنابراین، کنترل این شهر از سوی عثمانیان به معنای تسلط بر یکی از مهم ترین مراکز مذهبی اهل سنت بود که به طور مستقیم بر قدرت و نفوذ آنها در برابر رقبای مذهبی همچون ایران تأثیرگذار بود.

بصره با موقعیت عالی خود در محل تلاقی دجله و فرات در رأس خلیج فارس، یکی از مهم ترین ایستگاه های تجارت جهان اسلام و یکی از مهم ترین راه های تجاری دریایی مسیر چین و هندوستان تا رأس خلیج فارس بود. انشعابات فرعی از بصره به سمت بغداد به دوشاخه تقسیم می شد: یکی به سمت شمال به دیار بکر و دیگری به سمت غرب به دمشق و از آنجا به دریای مدیترانه و جنوب به سمت مصر. راه شمالی نیز از حلب به آسیای صغیر و سپس از آنجا

با جاده‌هایی که از آسیای میانه می‌آمدند، به قسطنطنیه و اروپا می‌رفت (فهمی، ۱۹۷۳: ۱۱۸). این شبکه تجاری پیچیده و متنوع نشان‌دهنده اهمیت راه‌های ارتباطی بصره در جهان اسلام و تأثیر آن بر گسترش تجارت میان شرق و غرب بود. همچنین، بصره به عنوان یک گلوگاه تجاری، نقش کلیدی در پیوند دادن مسیرهای ارتباطی از چین و هند گرفته تا اروپا ایفاء می‌کرد.

بصره خروجی تجارت عراق عرب به سمت هند و چین بود. همچنین این شهر محل تلاقی راه‌های تجاری از مرکز ایران به خلیج فارس و مرکز تجاری مهم توزیع کالا از ایران، عراق عرب، شام، شبه جزیره عربستان و مرکز واردات کالاهای تجاری از خاور دور به شام و سواحل مدیترانه بود (الصیرفی، ۱۴۰۰: ۲۶؛ فهمی، ۱۹۷۳: ۱۲۲). با توجه به اهمیت بصره، عثمانی‌ها به دنبال تسلط بر مسیر ادویه که از بصره- بغداد- حلب می‌گذشت، بودند که با خطر صفویه که هنوز بخش‌های خشکی آن را تحت کنترل داشت، روبرو بود. با همه اینها، کنترل جاده بغداد- بصره و تمایل به کنترل مطمئن راه‌های تجاری که از بصره به شام و آناتولی امتداد می‌یافت، اولویت امپراتوری عثمانی شد. در اینجا نباید فراموش کرد که گسترش نفوذ عثمانی به بصره، یعنی بندر شمالی خلیج فارس، عثمانی‌ها را در مرحله جدیدی قرار داد که کنترل مسیر دریایی بین هند و خاورمیانه را در اختیار می‌گرفتند (عبدالله، ۲۰۱۴: ۲۱۱).

کنترل بصره برای امپراتوری عثمانی از جنبه‌های اقتصادی، نظامی و جغرافیایی اهمیت کلیدی داشت. حضور صفویان در بخش‌هایی از خشکی، به‌ویژه در عراق عرب و شرق آن، عثمانی‌ها را بر آن داشت تا برای مقابله با نفوذ آنان و حفظ مسیرهای تجاری، بر این مناطق تسلط یابند. این اقدام، علاوه بر تقویت بنیه اقتصادی عثمانی از طریق تجارت با مناطق دوردست، منجر به تسلط کامل آنان بر خلیج فارس و بهره‌برداری از منابع و تجارت دریایی این منطقه می‌شد. بدین ترتیب، دستیابی به خلیج فارس و محدود کردن نقش صفویان در منطقه، به اولویت مهم سلطان سلیمان تبدیل شد و برای تحقق این هدف، کنترل عراق عرب به‌ویژه مسیر بغداد به بصره ضروری بود. عملیات نظامی عثمانی که تنها به آذربایجان محدود نماند و به سمت عراق عرب گسترش یافت و همچنین تشدید کنترل عثمانی بر این منطقه و نفوذ آن تا بصره و تلاش برای تسلط بر خلیج فارس، همگی نشان از اهمیت عراق عرب در محدود کردن قدرت صفوی داشت. دستیابی عثمانی به خلیج فارس، نه تنها هدفی استراتژیک در راستای تقویت قدرت دریایی و تجاری امپراتوری بود، بلکه به عنوان ابزاری برای مقابله با تهدیدات صفویان در منطقه نیز اهمیت ویژه‌ای داشت. در نهایت، این رویکرد، نشان‌دهنده

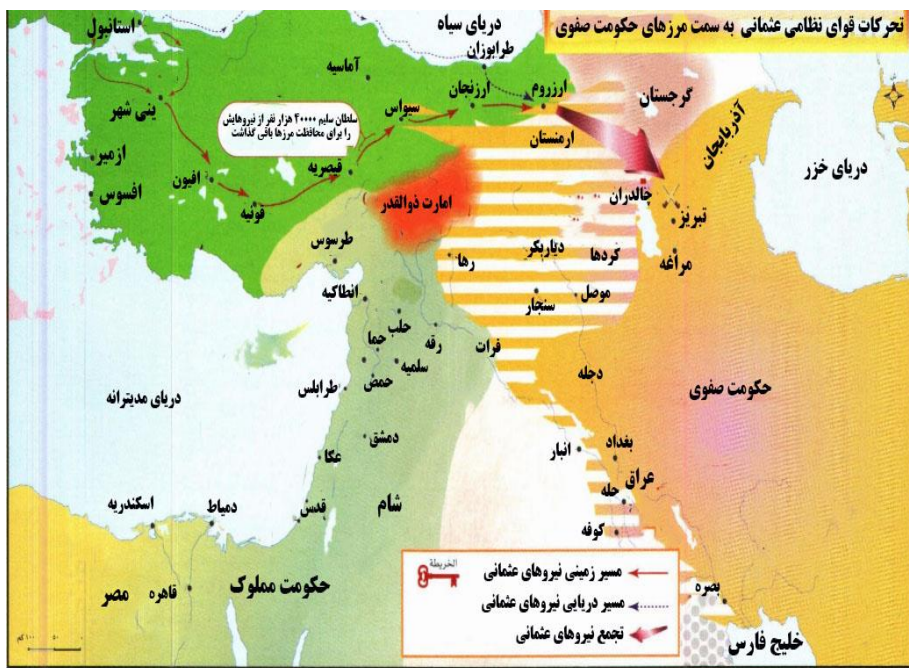
تلاش عثمانی‌ها برای تثبیت و تقویت موقعیت استراتژیک خود در برابر رقبا و کنترل یکی از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های تجاری منطقه بود.

نتیجه‌گیری

عراق عرب در نیمه نخست سده دهم هجری قمری/ شانزدهم میلادی به کانون اصلی رقابت‌های صفوی و عثمانی تبدیل شد. این امر ناشی از تلاقی مجموعه‌ای از عوامل چندوجهی بود که اهمیت استراتژیک، اقتصادی، مذهبی و سیاسی این منطقه را برای هر دو حکومت افزایش می‌داد. موقعیت جغرافیایی عراق عرب به‌عنوان پل ارتباطی میان سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و نیز اتصال اقیانوس هند و دریای مدیترانه از طریق این سرزمین، آن را به گلوگاهی حیاتی برای تجارت زمینی و دریایی تبدیل کرده بود. کنترل راه‌های تجاری و دسترسی به آب‌های خلیج فارس از انگیزه‌های اصلی هر دو قدرت برای تسلط بر این منطقه بود. به‌طور خاص، موصل به‌عنوان دروازه شمالی عراق عرب و نقطه اتصال به آناتولی و شام و بصره به عنوان بندر مهم در خلیج فارس و مسیر تجارت با هند و چین اهمیت ویژه‌ای داشتند. همچنین، جنگ چالدران از این منظر که تسلط بر موصل را برای عثمانی‌ها به ارمغان آورد، اهمیت به‌سزایی داشت. این شهر به عنوان دروازه‌ای استراتژیک به آناتولی، نه تنها دسترسی عثمانیان به شمال عراق عرب را تسهیل کرد، بلکه از نفوذ و گسترش احتمالی صفویان به آناتولی از این مسیر نیز جلوگیری نمود. این رویداد، جایگاه حیاتی عراق عرب و به‌ویژه موصل را در معادلات منطقه‌ای و در رقابت‌های میان دو قدرت عثمانی و صفوی بیش‌ازپیش روشن ساخت. افزون بر آن، حاصلخیزی زمین‌های کشاورزی عراق عرب به‌ویژه در بخش جنوبی (عراق عرب)، منابع غذایی و درآمد قابل‌توجهی را برای هر دو حکومت فراهم می‌کرد. همچنین، کنترل راه‌های تجاری عبوری از عراق عرب به‌ویژه مسیر ابریشم که از شرق به مدیترانه می‌رسید، منافع اقتصادی چشمگیری را به ارمغان می‌آورد. محاصره تجاری اعمال‌شده بر ایران در اواخر دوره بایزید دوم، اهمیت یافتن مسیرهای جنوبی از طریق عراق عرب را برای صفویان دوچندان کرد. همین‌طور وجود عتبات عالیات (نجف و کربلا) در عراق عرب، این منطقه را برای صفویان، به‌عنوان مدافعان مذهب شیعه از اهمیت مذهبی بسیار بالایی برخوردار می‌کرد. تسلط بر این اماکن مقدس، مشروعیت مذهبی صفویان را افزایش می‌داد و نفوذ آنها را در میان شیعیان منطقه گسترش می‌داد. از سوی دیگر، عثمانی‌ها نیز با کنترل بغداد، مرکز خلافت عباسی و اماکن مذهبی اهل سنت تلاش می‌کردند خود را به عنوان رهبر جهان اسلام

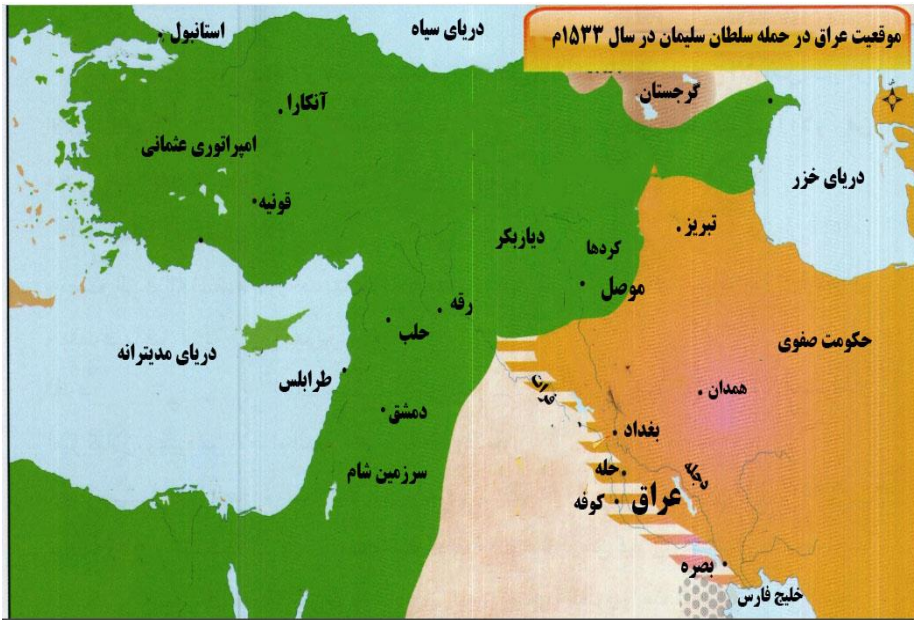
سنی مطرح کنند و در برابر نفوذ مذهبی صفویان ایستادگی کنند. همچنین تسلط بر عراق عرب به هر یک از دو حکومت، برتری سیاسی و نظامی در منطقه می‌بخشید. کنترل بغداد، به عنوان مرکز سیاسی و فرهنگی مهم، نماد اقتدار و تسلط بر منطقه‌ای وسیع‌تر بود و نیز کنترل این شهر به معنای تسلط بر مسیرهای آبی دجله و فرات و تسهیل تدارکات نظامی بود.

فرجام سخن اینکه رقابت صفوی و عثمانی بر سر عراق عرب، صرفاً یک منازعه نظامی یا سیاسی نبود، بلکه برخوردی چندجانبه با ابعاد اقتصادی، مذهبی و استراتژیک بود. هر دو حکومت به دلایل گوناگون از جمله اهداف اقتصادی، گسترش نفوذ مذهبی، کنترل راه‌های تجاری و حفظ امنیت مرزهای خود، به دنبال تسلط بر این منطقه بودند و این تداخل منافع و اهداف، عراق عرب را به صحنه اصلی این رقابت‌ها تبدیل کرده بود.



تصویر ۱. تحرکات قوای نظامی عثمانی به سمت مرزهای حکومت صفوی

منبع: (الملغوث، ۱۴۳۵: ۳۱۲)



تصویر ۲. موقعیت عراق عرب در زمان حمله سلطان سلیمان به سال ۱۵۳۳م.

منبع: (الملغوث، ۱۴۳۵: ۳۶۶)

منابع و مأخذ

فارسی:

- پیرا، فاطمه، پلیس جنوب ایران، فصلنامه فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱، ش. ۴۳، صص. ۱۳۸-۱۱۷.
- ترکمان، محمد، ۱۳۷۰، اسنادی در باره هجوم انگلیس و روس به ایران، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- دورانت، ویل، ۱۳۵۶، *اختناق هندوستان*، ترجمه: نامور، تهران: انتشارات گام.
- ذوقی، ایرج، ۱۳۶۳، *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرتهای بزرگ از ۱۹۰۰ تا ۱۹۳۵*، تهران: پاژنگ.
- راضی، منیره، ۱۳۸۱، *پلیس جنوب ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سایکس، سر پرسی، ۱۳۶۲، *تاریخ ایران*، ترجمه: محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: انتشارات علمی.
- سفیری، فلوریدا، ۱۳۶۴، *پلیس جنوب ایران*، ترجمه: منصوره اتحادیه و منصوره جعفری فشارکی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- علی بابایی، غلامرضا، ۱۳۸۲، *تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا عصر پهلوی*، تهران: آشیان.
- فائزمقامی، جهانگیر، ۱۳۲۶، *تحولات سیاسی نظامی ایران*، تهران: نشر علی اکبر علمی و شرکاء.
- کاشانی، سکینه و عصمت بابادی، ۱۳۹۴، *بررسی زمینه‌های شکل‌گیری پلیس جنوب*، فصلنامه جندی‌شاپور، ۱۳۹۴، س. یکم ش. ۱، دانشگاه شهید چمران اهواز، صص. ۶۳-۴۷.

کحال زاده، میرزا ابوالقاسم، ۱۳۷۰، دیده‌ها و شنیده‌ها، به کوشش: مرتضی کامران، تهران: نشر البرز.
رکن زاده آدمیت، محمدحسین، ۱۳۵۷، فارس و جنگ بین‌الملل، تهران: اقبال.
مایرلی، جیمز، ۱۳۶۹، عملیات در ایران، ترجمه: کاوه بیات، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
نبوی، سید محسن، ۱۳۷۳، نقش روحانیون در قیام ضد استعماری مردم جنوب، رئیسعلی دلواری،
مجموعه مقالات قیام جنوب در جنگ جهانی اول، بوشهر کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد شهادت رئیسعلی دلواری.
مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۰، اسناد فراماسونری در ایران، جلد اول، تهران: مؤسسه
مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
نصیری طیبی، منصور، ۱۳۸۴، ایالت فارس و قدرتهای خارجی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی
وزارت امور خارجه.

عربی:

اصطخری، ابواسحق ابراهیم، [بی تا]، المسالك و الممالک، لبنان - بیروت: دار صادر.
اعظمی، علی ظریف، ۱۹۲۷، تاریخ الدول الفارسیه فی العراق، بغداد: مطبعه الفرات.
انیس، محمد، [بی تا]، الدوله العثمانیه و الشرق العربی (۱۵۱۴-۱۸۱۴)، قاهره: مکتب الانجلو مصریه.
اوزون چارشی لی، حقی اسماعیل، ۱۳۷۷، تاریخ عثمانی، تهران: کیهان.
باسورث، کلیفورد ادموند، ۱۳۸۱، سلسله‌های اسلامی جدید، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز
بازشناسی اسلام و ایران
جعفریان، رسول، ۱۳۹۳، تاریخ ایران از آغاز اسلام تا پایان صفوی، تهران: علم.
خورانی، آلبرت، ۱۹۹۷، تاریخ الشعوب العربیه، ترجمه: اسعد صفر، دمشق: دار طلاس.
خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین، ۱۳۸۰، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، تهران: خیام.
خنجی، فضل‌الله روزبهان، ۱۳۸۲، تاریخ عالم‌آرای امینی: شرح حکمرانی سلاطین آق‌قویونلو و ظهور
صفویان، به تصحیح: محمداکبر عشیق، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
روملو، حسن بیگ، ۱۳۵۷، احسن التواریخ، به تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
علی، علی شاکر، ۱۴۳۱، ولایه الموصل العثمانیه فی القرن السادس عشر، عمان: دار غیداء للنشر و التوزیع.
شاو، استانفورد جی، ۱۳۷۰، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه: محمود رمضان‌زاده، مشهد:
معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
صباغ، عباس اسماعیل، ۱۴۲۰، تاریخ العلاقات العثمانیه الإیرانیه الحرب والسلام بین العثمانیین و
الصفویین، بیروت: دارالنفائس.
صیرفی، نوال حمزه یوسف، ۱۹۸۰، النفوذ البرتغالی فی الخلیج العربی فی القرن العاشر الهجری، السادس
عشر المیلادی (بحث المقدمه لنیل درجه الماجستير فی التاريخ الاسلامی)، المملكة العربیه السعودیه:
جامعه ملک عبدالعزيز

- طغوش، محمد سهیل، ۱۴۳۰، *تاریخ الدوله الصفویه (فی ایران)*، بیروت: دارالفنائس.
- ، ۱۴۳۴، *تاریخ العثمانيين من قیام الدوله الی الانقلاب علی الخلافه*، بیروت: دارالفنائس.
- ، ۱۴۳۶، *تاریخ العراق*، بیروت: دارالفنائس.
- عبدالرزاق بن اسحاق سمرقندی، ۱۳۸۳، *مطلع سعیدین و مجمع بحرین*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عبدالقادر، سیفال‌الدین، ۱۹۷۰، *جغرافیه العراق العسکریه*، بغداد: مطبعه شفیق.
- عبدالله، ایناس سعدی، ۲۰۱۴، *تاریخ العراق الحدیث*، بغداد: عدنان.
- عزاوی، عباس، ۱۹۳۹، *موسوعه تاریخ العراق بین إحتلالین*، بیروت: دارالعربی للموسوعات.
- عوفی، محمد عبدالرزاق، ۲۰۰۸، *الصراع الصفوی و العثماني و تأثیراته علی المشرق العربی*، بنگازی: اکادمیه فکر الجماهیری.
- فرید بک، محمد، ۱۹۸۱، *تاریخ الدوله العلیه العثمانيه*، بیروت: دارالفنائس.
- فهمی، نعیم زکی، ۱۹۷۳، *طرق التجاره الدولیه و محطاتها بین الشرق والغرب (أواخر العصور الوسطی)*، قاهره: الکتبه العربیه.
- قصابی نژاد، علی پور صفر، ۱۳۷۵، پرناک، در غلامعلی حداد عادل، نصرالله پورجوادی، مصطفی میرسلیم و احمد طاهری عراقی (ویراستاران)، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.
- قزوینی، احمد بن محمد، ۱۳۴۳، *تاریخ جهان آرا*، تهران: کتابفروشی حافظ.
- مجیر شیبانی، نظام‌الدین، ۱۳۴۶، *تشکیل شاهنشاهی صفویه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مستوفی بافقی، محمدمفید، ۱۳۹۶، *مختصر مفید (جغرافیای ایران زمین در عصر صفوی)*، به کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.
- مصطفی، احمد عبدالرحیم، ۱۴۲۴، *فی أصول التاریخ العثماني*، قاهره: دارالشروق.
- ملغوث، سامی بن عبدالله، ۱۴۳۵، *اطلس تاریخ الدوله العثمانيه*، کویت: مکتبه الامام الذهبی.
- منشی قزوینی، بوداق، ۱۳۷۸، *جواهرالأخبار*، به تصحیح: محسن بهرام‌نژاد، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- میرخواند، محمد بن خاوند شاه، ۱۲۷۰، *روضه الصفا*، [بی‌جا]: دارالطباعة خاصه جدیده.
- مؤلف ناشناخته، ۱۴۰۶، *جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل)*، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- مؤلف ناشناخته، ۱۴۲۳، *حدود العالم من المشرق إلی المغرب*، قاهره: الدارالثقافیه للنشر.
- نوار، عبدالعزیز سلیمان، [بی‌تا]، *تاریخ الشعوب الإسلامیه*، قاهره: دارالمفکر العربی.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۹۹۶، *معجم‌البلدان*، بیروت: دار صادر.

لاتین:

Agoston, Gabor & Masters, Bruce, 2009, *Encyclopedia of the Ottoman Empire*, Washington: Georgetown University.

KÜPELİ Özer, 2010, Irak-ı Arap'ta Osmanlı – Safevi Mücadelesi (XVI-XVII. Yüzyıllar) Ottoman - Safavid Struggle on the Iraq-ı Arab (XVI-XVIIth Centuries). *History Studies*, Ortadoğu Özel Sayısı / Middle East Special Issue.

Fattah, Hala & Caso, Frank, 2009, *A Brief History of Iraq*, Usa: Checkmark Books.

Le Strange, Guy, 1905, *The Lands of the Eastern Caliphate: Mesopotamia, Persia, and Central Asia, from the Moslem Conquest to the Time of Timur*, New York: Barnes & Noble, Inc.

Nissen, Hans J. & Heine, Peter, 2009, *From Mesopotamia to Iraq: A Concise History*, Translated: Hans J. Nissen, Usa: University of Chicago Press.

